

سہ آرامگاہ

برجی

از دوران سلوتو

نوشته : استروناخ ویانگ

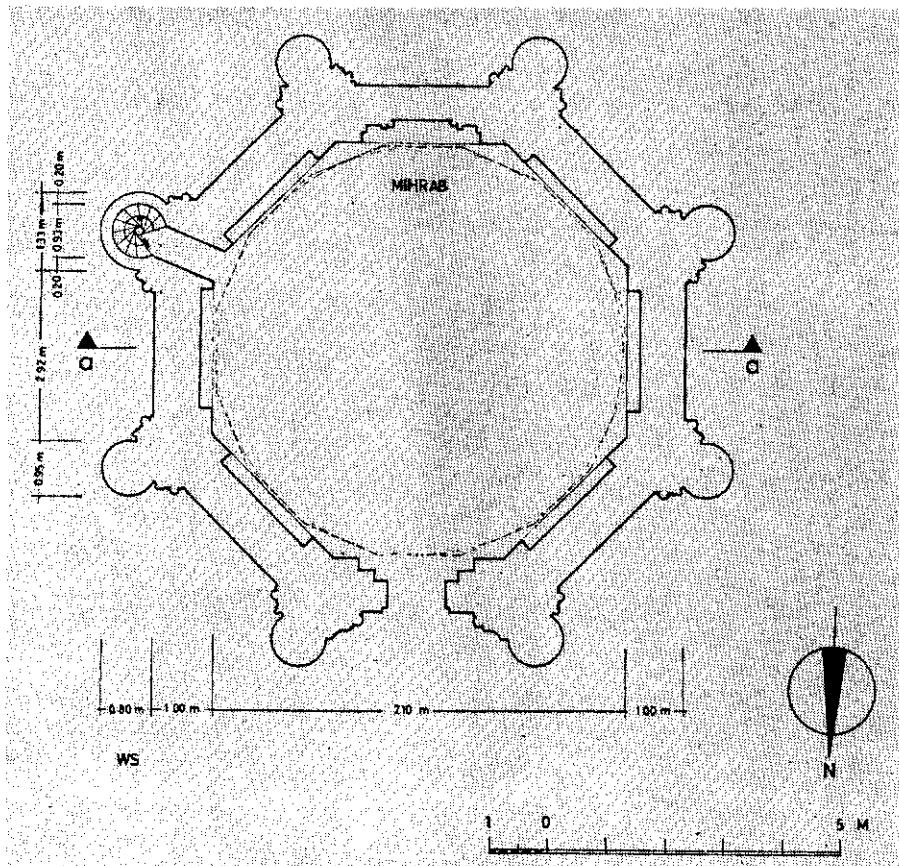
ترجمہ :

مید و ہرام

قسمت دوم

در شماره پیش مجله بررسیهای تاریخی، نتیجه پژوهش‌های استروناف و یانک در باره برج دماوند و برج اول خرقان و همچنین چند سطری هم از چکونکی و موقعیت برج دوم خرقان از نظر خوانندگان گرامی گذشت و اینک بشرح بقیه آن میپردازیم.

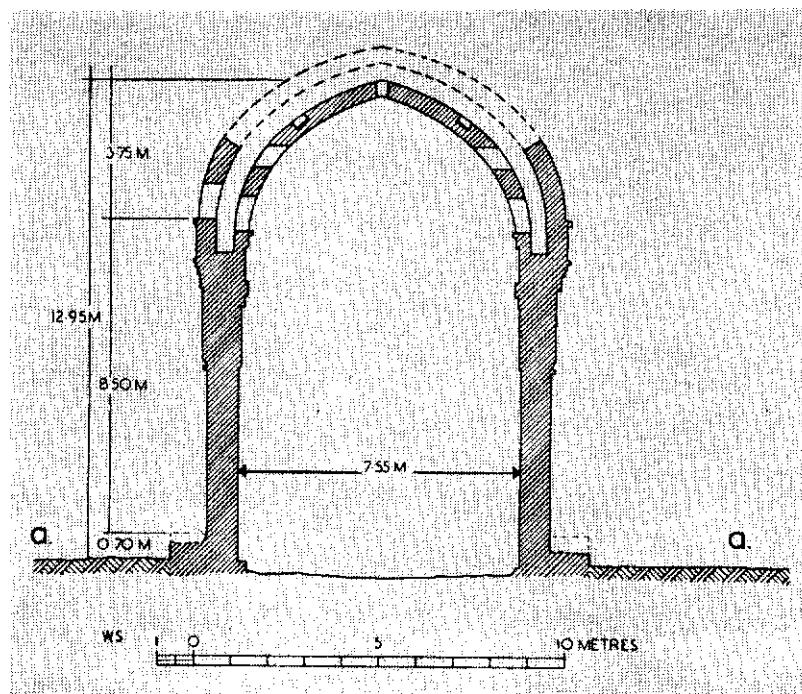
قطع افقی برج دوم (شکل ۱۲) با کمی تفاوت تقریباً همانند برج



شکل ۱۲ - مقطع افقی برج باختری (برج دوم)

اول است و با توجه به قسمتهای مربوط دو آرامگاه مشاهده میگردد که مقایسه دقیق آنها بسیار مشکل است. در او لین برخورد بطور مشخصی پیداست که آرامگاه بعدی دارای ابعاد بلندتری است (تصویر ۷-ب) و این واقعیتی پذیرفتنی است که قسمت اعظم سطوح مرتفع و نمای کامل بدنۀ برج دوم نمایان هستند. در صور تیکه تمام ارتفاع سطوح برج اول بواسطه بالا آمدن سطح زمین دیده نمیشود و همانطور یکه قبل از کشیده شد کمی کوتاه‌تر بنظر می‌آید^{۶۸} درواقع اختلاف ارتفاع در دو بنای تاریخی فقط ۵۵ سانتی‌متر است یعنی برج اول کمتر از اندازه حقيقی خود دیده میشود.

و این وقتی معلوم میشود که بخاراط بیاوریم سطح اصلی زمین مجاور برج



شکل ۱۳ - مقطع قائم برج دوم

- ۷ - معماری دوره اسلامی تالیف ویلبر

اولی ممکن است تقریباً کمی بیش از یکمتر پائینتر از سطح کنونی بوده باشد.^{۶۹} بدین معنی که حفاری و خاکبرداری آینده بایستی این موضوع را تائیدیارد کند. ما باید احتمالاً قبول کنیم که هر قسمت کامل آرامگاه پیشین بایستی شبیه آنچه که در شکل (۱۳) ترسیم شده است باشد و مانند روکش تزئینی آرامگاه برج اولی پوشش رویه ساختمان برج دوم هم یک نمونه کلاسیک دوره سلجوقی بشمار آید (عکس ۲۳-ت). در ابعاد آجرها هم تغییرات کمی دیده میشود طول هر ضلع آنهایین ۲۰-۲۱ سانتیمتر و ضخامت استاندارد آنها در حدود ۵- سانتیمتر میباشد. و باز هم کمی اختلاف در ابعاد آجرهای بکاررفته در تمام ساختمان بچشم میخورد و احتمالاً چیزی که در این برج بیشتر و بهتر مورد استفاده قرار گرفته است قطعات آجرهای تراشیده شده‌ای است که در رویه تزئینی بنابکار رفته‌اند و در اینجا آنچه قابل تحسین است بند کشیهای روکش تزئینی ستونهای بزرگ طرفین در ورودی است که مانند ستونهای گنبد سرخ مراغه میباشند.^{۷۰} و از اینرو میتوان باهمیت و مهارت سازند گان آن‌پی برد (تصاویر ۲۳ پ و ت).

مهترین تغییراتی که در تزئین برج دوم بعمل آمده اینست که از بکار بردن خطوط تاریخی اضافی خودداری شده و بطور مخصوصی اسپر بالای در ورودی با اسپرهای پنجگانه ضلع اصلی هماهنگ شده‌اند. ولی اصولاً با مقایسه اجزاء آن دوسرد ورودی کامل مشهود است که معمار در ساختن آن زحمت زیادی را متحمل شده تا آثار ابداعی خود را تاحدامکان بناخواهین ارائه دهد.

-۶۹- برطبق اندازه‌گیری که توسط آقای سالزمن بعمل آمده بلندترین قسمت گنبد درونی برج اول ۱۲/۴۰ متر از کف در ورودی ارتفاع دارد در صورتیکه بلندی گنبد داخلی برج دوم از همان محل مشابه ، ۱۲/۹۵ متر میباشد .

-۷۰- ریک به ص ۱۹۲ و شکل ۸۷ بخش اول جلد یکم آثار ایران تالیف گدار.

اسپر آجری بر جسته کوچک که بطور بی سابقه‌ای در روی ضلع یکم برج اول نمایش داده شده بود در ضلع ۲ و ۸ برج دوم با طرح ساده‌تری دیده می‌شود. از دیدن طرح فضیلتاً ساده بی‌دربی می‌توان پی‌برد که معمار با ابتکار و هنرمندی خود طرح جدیدی را بوجود آورده است بدین ترتیب که رومیهایشکه (تصاویر ۱۱۶-۱۱۸-الف-ب و ۲۳-الف) معمولاً می‌باشند در جاهای کم وسعت و کم ارتفاع بکار برده شود دریک نمونه وسیعتر و بلندتر بکار برده است ولی باید دانست که اساس طرح آن مانند گنبد سرخ اخیرالذکر می‌باشد (۱۱۴۷ میلادی-۵۴۲ هجری).^{۷۱} طرح اصلی آن در روی ضلع ۳ و ۷ برج اولی بطور نامشخصی دیده می‌شود.^{۷۲}

اسپرهای زیر رومیها با طرحی از آجرهای بریده و ظریفی تزئین شده و هر یک از سفالهای لعابی بر جسته که در برج دوم به جای مدهلهای تزئینی برج اول بکار رفته در بین این آجرها قرار گرفته‌اند^{۷۳} و طرح هندسی و مجلل داخل اسپرهای مذکور با مهارت قابل ملاحظه‌ای تزئین شده‌اند.

و قسمتی از اشکال لعابی آن در دریف آثار تاریخی پیشین و مجاور خود یعنی آرامگاه اول جایتودر سلطانیه می‌باشد (۱۳۰۹-۱۳۰۹ م/ ۷۰۹-۷۰۹ هجری).^{۷۴}

امکان دارد لوزیهای راسته و خفته یک در میان باحاشیه باریک تزئینی اسپرهای زیر رومیها شبیه طرح بالای در ورودی آرامگاه یوسف بن کاتیر - Usef - B-Katir در نجیوان نیز از این طرح الهام گرفته شده باشد ۵۷-۵۵۵۶ م/ ۱۱۹۳-۷۰.^{۷۵}

۷۱- تصویر ۳۴-آی-الف سوری

۷۲- رُك به تصاویر ۱۹-الف و ۲۱-الف

۷۳- شبیه این طرح در وسط اسپر بالای در ورودی گنبد سرخ وجود دارد.

۷۴- رُك به شکل ۲۴۳ هیل و گرا بر

۷۵- رُك به شکل ۲۲۸ هیل و گرا بر

مخصوصاً با جداسدن چهار سطر متن تاریخی از نوشه‌های قرآنی و بکاربردن یک سری طرح‌های آجری ظریف بشکوه هنری این کبda افزوده شده است^{۷۶} و سوره آیه ۱۱۵ بایک طرح آجری قابل ملاحظه‌ای در روی حاشیه بالای هر ضلع در پیرامون گنبد دیده می‌شود و همچنین در ستونهای باریک هر طرف نیز آجرهای تراشیده زیبا و ظریفی بعجم می‌خورد. (۱۸ - الف)

با بررسی اسپر های پهلوئی مشاهده می‌گردد که بیشتر طرح‌های تزئینی هندسی اسپر های سطح جانبی نسبت به اسپر های اطراف در ورودی بتدریج بطور محسوسی تغییر نموده‌اند. برای مثال چهار طرف نزدیکترین اسپرها به در ورودی فقط نشان دهنده طرح‌های آجری اسپر های روبرو و هم سطح می‌باشد (تصاویر ۱۹ - ت و ۲۰ - الف و ب).

همچنین فقط چهار ستون شمالی می‌توانند طرح‌های آنها را داشته باشند (تصویر ۱۶) اگرچه ستونهای دو طرف در ورودی نظیر یکدیگر هستند ولی بکاربردن گل و بوته موجود روی آنها در ضلع جنوبی قابل توجه می‌باشد.^{۷۷} (تصویر ۲۰ - الف)

شاید یکی از جالب‌ترین و جدیدترین شیوه‌هایی که در برج دومی برای اولین هرتبه معمول شده حاشیه منحنی لبه جلوی هر رومی اسپر های بالائی باشد. این شیوه در زیر طاق باریک هریک از رومی های ضلع ۲ تا ۸ با آجرهای مخصوص و کمی باریکتر مورد استفاده قرار گرفته است. در ساختن انواع و اقسام لبه و کناره های ساختمان مهارت زیادی بکار رفته است و باین ترتیب علاوه بر زیبائی آنها توانسته اند سایه های عمودی را به حداقل ممکنه تقلیل

-۷۶ - رسید به ص ۲۲۰ همان کتاب

-۷۷ - رسید به ص ۲۴۰ همان کتاب

بدهنند تا تمام طرحهای گود هم بخوبی نمایش داده شوند. (تصویر ۱۷-الف) با وجود اینکه سازنده گنبد سرخ مراغه کاملاً از طرحهای خرقان الهام گرفته است، دیدن سه نمونه از اسپرهای صاف و رومیهای دو بعدی آن که کاملتر از رومیهای خرقان هستند جالب توجه می باشد.^{۷۸}

طرح هندسی دیگری که در گنبد سرخ مراغه در سطح خارجی برج بعمل نیامده تقسیم بندی اسپرهای دیوار اصلی می باشد.

شاید یکی از استثنائی ترین و بی سابقه ترین ابتکاری که معمار خرقان معمول سازی نموده تقسیم بندی مبتکرانه ای است که با مهارت زیادی بخش بالائی و پائینی هر اسپر را با اسپرهای کوچک از هم جدا ساخته است.

بطوریکه در تصاویر (۱۱ - ت و ۱۹ - الف و ۲۱-ب) دیده میشود یک سری آرایش گلو بوتهای در قسمتهای بزرگ و کوچک اسپرهای هفت ضلع بکار رفته است. عمل ابتکاری معمار خرقان فقط منحصر بخود اسپرهای کوچک نبوده بلکه قسمت بالای آنها را با طرحی تقریباً نظیر ته زورق مزین نموده و هر یک از اسپرهای کوچک را در اسپر چهار گوش نسبتاً بزرگتری محاط کرده است. طرح داخلی اسپرهای کوچک هانند طرح ضلع کوچکتر از بنای آرامگاه سامانیان در بخارا الهام گرفته میباشد.^{۷۹}

در بالای نوشه های قرآنی که مشتمل بر آیه های ۲۱-۳ سوره ۵۹ است، طرحهای تزئینی هندسی که از تلاقی خطوط مستقیم و عمودی با یکدیگر درست شده در هشت حاشیه آرایشی که هر یک شامل یک سری اشکال کاملاً هندسی

۷۸- برای دیدن شکل تمعنه طرح رومی ضلع یک به تصویر ۳۴-آی ب سوروی و همچنین برای دیدن نمونه طرح رومی اضلاع ۸ و ۲ به شکل ۹۲ و ص ۱۳۴ - آثار ایران تالیف گدار و برای دیدن نمونه طرح اضلاع ۷ و ۳ به شکل ۲۲۳ همان کتاب هیل و گرا بر نگاه کنید.

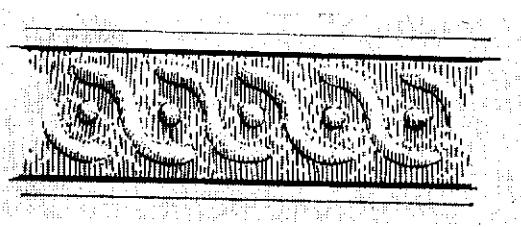
۷۹- رنگ به تصاویر ۲۶۴-الف و ب سوروی

می باشد دیده میشود (تصاویر ۲۲-الفتاج). درواقع شکی نیست که هشت حاشیه مذکور بمنظور افزودن اهمیت و زینت دادن به خطوط قرآنی در فاصله بین رومیها و همین حاشیه های تزئینی در هردو برج خرقان نوشته شده است بکار رفته اند. از بالای ۷ ستون محکم حلقه گنبد باشیب ملایمی بالا رفته و در بعضی جاها خطوط کوفی در روی خود حلقه گنبد نوشته شده اند. با اینکه در شکل کلاهک قبه کوچک او لیه تردیدی هست ولی از بقایای موجود گنبد برج دوم چنین استنباط میگردد که ممکن است نمی توانسته اند کلاهک های اولیه را که هنوز پابرجا هستند بهتر بسازند. فقط ارتفاع ستون تو خالی مخصوص راه پله تابالای کتیبه افقی خطوط کوفی میرسد.

کمی پائین تر از گنبد خارجی یک در گاهی دست نخورده بالای راه پله (تصویر ۲۳ - ب) وجود دارد که ضخامت تقریبی دریجه های طاقدار قوسی ضلع ۱ و ضلع ۳ را مشخص میسازد. هم چنین ۱ گرچه قسمتی از شیار های بر جسته روی گنبد خارجی بمروزمان از بین رفته است معدالک شواهد موجود نشان میدهند که فاصله شیار های تزئینی پوشش گنبد های خارجی هردو برج بیک اندازه تقسیم بندی شده اند. در واقع فقط مسئله اختلاف ارتفاع مشهوده بین ردیف افقی حفره های جاچوبستی نزدیک بالای گنبد داخلی برج دوم (عکس ۷-ب) شکفت آور است و احتمال دارد که این حفره ها عملا هنگام گنج کاری مرحله ثانوی مورد استفاده قرار گرفته باشند.

بالاخره به طرح گچ بریهای طوماری بی در بی (شکل ۱۴) که بجای گچ بریهای تزئینی کوچک آرامگاه قدیمی تر بکار رفته اند با یستی توجه نمود در گچ کاریهای دیگر تاحدامکان صرفه جوئی بعمل آمده است و فقط در قسمت

بالا هشت حاشیه ترئینی و قسمت بالای اسپر پائین ضلع یک گچ بریهای انجام شده است. (تصویر ۲۳-الف)



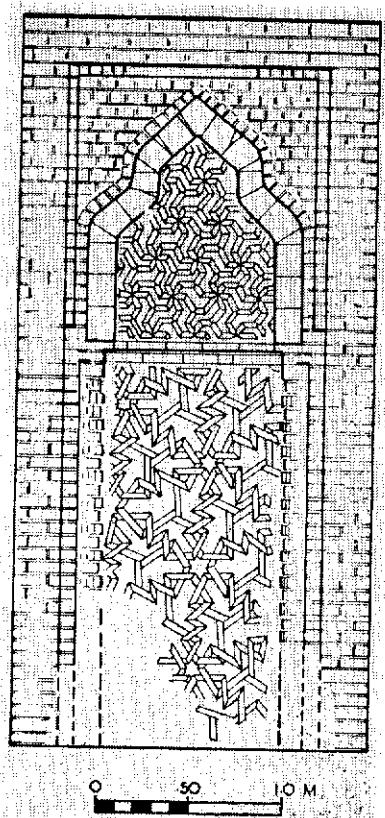
شکل ۱۴ - گچ بریهای طوماری برج دوم به مقیاس تقریبی ۶

مهمترین اختلاف آرامگاه دوم از آرامگاه اولی این است که در قسمت داخلی آرامگاه دومی گچ کاری بعمل نیامده است (تصویر ۴-الف). آجر کاری خشته از نوع آجرهای ساده و معمولی بکار رفته است و رنگ آن از رنگ خاکستری تیره و تقریباً قهوه‌ای روشن شروع می‌شود و سپس به رنگ زمرد و نقره‌ای گرایش می‌یابند.

برج دوم از نظر طرح کلی کاملاً تصویری از برج اولی است با این تفاوت که دو پنجه مستطیل شکل در خود گنبدویک در گاهی در داخل آن (تصویر ۲۳-ب) وجود دارد و علاوه بر آنها آجرهای مرغوب تری در محراب ضلع پنج بکار برده‌اند^{۸۰} (شکل ۱۵ و ۲۴-ب) و نیز اولین لایه آجری که در روی پایه سنگی آن محکم شده بخوبی دیده می‌شود. (تصویر ۲۴-ب).

تنها علامت مشخصه برج دوم در بالای در ورودی دیده می‌شود. زیرا

۸۰ - ولی باید بخاطر داشت که محراب هرگز تمام نشده بوده و تقریباً بامحرا بهای همزمان خود شبیه نی باشد (تصویر ۳۰۸-ب سوروی) و نیز بنظر میرسد که قاب حاشیه بیرونی آن برای نوشتن خطوطی در روی آن آماده شده است.



شکل ۱۵ - محراب دیوار جنوبی (ضلع ۵) برج دوم

بیشتر آجر کاریهای بالای سر در آن ظاهرآ مدت‌ها بعد ساخته شده است و در واقع معلوم است که اسپر ساده و بالای در ورودی کوتاه کنوی (تصویر ۲۳-الف) بعد از ساخته شده است و بررسی و تحقیقات بعدی در این محل در ورودی ورودی او لیه بالای آن را آشکار خواهد ساخت^{۸۱}.

^{۸۱}- در این زمینه باید بحقیقیتی اشاره شود و آن این است که وزارت فرهنگ و هنر ایران با علاقمندی کاوش را محدود ساخته و برای بهتر ساختن مطالعات درامور ساختمانی به تعمیر و مرمت آرامگاه‌های خرقان پرداخته‌اند و این جای خوشبختی بسیار است.

نتیجه :

هر یک از سه برج آرامگاههای مورد بحث ما، سندی است دال بروجود انواع آرامگاههای هشت ضلعی که در هر گوش آن یک ستون ساخته میشده است و جزاین نوع بنای آجری دیگری در سده یازدهم میلادی (۵ هجری) دیده نشده است.

با وجود تمام پیشنهادها که پس از بررسیهای زیاد اظهار شده احتمالاً بعيد به نظر میرسد که چنین آرامگاههایی نادر بوده باشند^{۸۲} چنانکه پس از بررسی معلوم شد که برج اولی نظیر یک آرامگاه چهار گوش دورة ساسانیان و بقایای آرامگاه ساسانیان در بخارا می باشد^{۸۳} و تعدادی آرامگاه مربوط به اوایل دوره سلجوقی یافت شده است که ادامه سبک آنها آرامگاههای چهار ضلعی و هشت ضلعی می باشد که کمترین شباهت و پیوندی با طرح کلی بنای انواع آرایش برج دوم و برج دماوند و بقعة امام دور Imam Dur که کمی پیش از ۱۰۹۴ میلادی (۴۸۷ هجری) در عراق ساخته شده است دیده نمیشود.^{۸۴}

دو مین سری آرامگاههای چهار ضلعی و هشت ضلعی ستوندار که به برجهای خرقان شباهت دارند و ما آنها را دیده ایم عبارتند از:

گنبدسرخ مراغه و گنبد کبود (۷/۱۱۹۶-۵۹۲) و گنبد غفاریا^{۸۵}
 (۱۳۱۳-۳۷/۷۱۶) واقع در مراغه و همچنین آرامگاه شلبیو قلو^{۸۶}
 Qaffariya واقع در سلطانیه که هر یک به سهم خود شباهت زیادی به آثار Chelebioglu تاریخی خرقان دارند و نیز آرامگاه خواجه اتابک از بناهایی است که در سده

-۸۲- مخصوصاًستنک پیشین آرامگاههای سامرہ (همان کتاب) که همه قسمت‌های آن برای چاپ آماده شده است.

-۸۳- رُك به صفحات ۹۴۵-۹ و ۱۲۶۷-۷۰ سوروی

-۸۴- رُك به ۲۵۲ کرسول

-۸۵- رُك به تصاویر ۲-۳۴۱ سوروی

-۸۶- رُك به تصویر ۳۵۴-۱ الف سوروی

دوازدهم میلادی (چهارم هجری) در کرمان ساخته شده و با وجود اینکه نسبت به برجهای خرقان در فاصله دورتری قرار گرفته شباهت زیادی با آنها دارد و از برج دوم خرقان هم (شکل ۱۲) پر پیرایه‌تر است و می‌توان آنرا یکی از بهترین نوع آرامگاههای هشت‌ضلعی ایران محسوب داشت.^{۸۷} برجهای هشت ضلعی بدون ستون نظیر آرامگاه آجری شهرستان Shahrestan واقع در جنوب شرقی اصفهان^{۸۸} نمایشگر قسمت اعظم طرح برجهای خرقان است ولی این برج هشت گوشه ساده باستانی را باستی نموده‌ای از بنای تاریخی ابرقو که در تاریخ ۴۴۸ هجری (۱۰۵۶ م) ساخته شده محسوب داشت.^{۸۹} زیرا علی رغم آنچه که زمانی تصور می‌شد شکل دایره کامل یادایرها یکی که کمی تغییر یافته اساس طرح قدیمترین برجهای آرامگاههای شمال ایران بوده است.^{۹۰} معذل‌الکشواهد جامعی که در ابرقو و دماوند و برجهای خرقان وجود دارد حاکی از این است که در ازمنه قدیم و پیش از آنها انواع فرم‌های راست گوشه نیز متداول بوده است. آرامگاه‌سامانیان در بخارا تنها نمونه منحصر بفرد آثار چهار گوشه سده دهم میلادی (چهارم هجری) نیست بلکه بطور کلی پایه قدیمی ترین مناره‌های ایران چهار گوشه و یا هشت‌ضلعی ساخته می‌شده‌اند.^{۹۱} و چگونگی پیدایش و بستگی‌های مناره‌های دور نخستین دهه‌های سده یازدهم^{۹۲} میلادی (پنجم هجری) نیز برای اثبات این که برج آرامگاههای دور از بستکارات همان دوره‌ها بوده کافی هستند. برای اثبات این موضوع مقطع افقی آرامگاه دوازده ضلعی ستوندار برج

۸۷- شکل ۳۶۰ سوروی

۸۸- تصویر ۳۳۴-الف سوروی

۸۹- تصاویر ۶-۳۵ سوروی

۹۰- رک به ص ۱۰۲۲ سوروی

۹۱- رک به ص ۱۰۳۶ سوروی

۹۲- رک به ص ۱۰۲۶ و شکل ۳۱۴ سوروی

آرامگاه شهر ری ۹۳^{۹۳} گواه بهتری میباشد زیرا احتمال میرود که بین آن و تعدادی از آرامگاههای دوره آآل بویه که در اوخر سده دهم یا یازدهم میلادی (چهار و پنجم هجری) ساخته شده‌اند بستگیهای وجود داشته باشند.^{۹۴} برج شهر ری که اکنون زوایای آن از بین رفته و تقریباً مدور شده است اگرچه طرح آن بسیار کمیاب است ولی مهمتر و بهتر از اشکال برجهای دیگر بنظر میرسد و می‌توان گفت از طرح گنبد قابوس که از ۱۰۰۶ م و ۳۹۷ هجری ساخته شده الهام گرفته است.^{۹۵} با توجه به راه پله میان ستونهای برجهای خرقان مشاهده میگردد فقدان هر نوع آجرهای مشابه این امکان را میدهد که بستگیهای طرحهای کم عمر محلی را مورد بررسی قرار دهیم و در واقع نقش عملی و اساسی این پله‌ها برای ما پوشیده مانده است. احتمال دارد که از این راه پله‌ها برای تسهیل کارهای تعمیراتی و یا برای جمع آوری فضولات پرندگان از راهروهای باریک موجود در دوره گنبد استفاده بعمل میآمدند. به حال هیچ یک از دلایل فوق نمیتوانند جواب قانع کننده و مطمئنی باشند ولی از طرف دیگر می‌توانیم بدوم عامل جداگانه و مهمی که نشان‌دهنده منابع الهام بخش اصلی است اشاره کنیم یکی از دو عامل تحول سریع مناره‌های مدور و دیگری پیدایش پله‌های مارپیچی سنگی است که در دیوارهای قطور برجهای آرامگاههای اولیه بکار میرفته‌اند.^{۹۶} و همچنین شاید مازباقایی سنگی پله مارپیچ یکی از ستونهای گنبد یک پوششی مسجدی در سامره بتوانیم بذکر

۹۳- ر-ک به ۲۷۲ گزارشات سوم باستان‌شناسی تالیف آقای محمد تقی مصطفوی ۱۹۵۴
۹۴- ر-ک به بولتن هنر اسلامی تالیف شفرد Dorothy. G. Shepherd (Dorothy. G. Shepherd) ص ۷۵ - ف شماره ۴ سال ۴۹ (آوریل ۱۹۶۲) و ص ۷۵-۷۶ ف شماره ۴ سال ۵ (آوریل ۱۹۶۳).

۹۵- ر-ک به شکل ۳۲۲ و تصاویر ۳۴۷-۸ سوروی
۹۶- مانند باستان‌شناسی ری همان کتاب آقای محمد تقی مصطفوی

حالت ستونهای پله دار دوره پيش از سلجوقيان که بلبه با مسطح منتهی ميشدند بپردازيم. درباره اين‌که از زمانی گنبدهای دوپوشی مورد توجه قرار گرفته کسی آگاه نیست، از اين رونمیتوان نخستین نمونه گنبدهای دوپوشی دوره آآل بویه را معین کرد. وجود مهارت فني مطلوبی که در هردو گنبد خرقان مشهود است. گويای آن است که معمار مزبور از ستونهای متداول آن زمان پيروي نموده است. با اين‌که اظهار نظر فوق درباره اين عقیده، هتلزل بنظر ميرسد ولی بي ارزش هم نیست. بدیهی است که برای مثال می‌توان گفت که طرح سقف گنبد آرامگاه اولی خرقان بقدر کافی پيشرفته بوده است که بعنوان مدل برای سقف آرامگاه دومی بكار برده شده است و همچنین معلوم شده است که در شمال ايران همزمان با سال ۱۰۲۲ ميلادي (۴۱۳ هجری) گنبد اخلي را با سقف مخروطي بلند آن‌ها هنگ می‌کرده‌اند.^{۹۷} و همچنین کمان ميرود که آرامگاه سنگ‌بست هم راه رو مرتفع داشته است (نقل شده از اظهارات مردم‌بومی^{۹۸}) و حتى اگر هدف اصلی (تاریخ دقیق آن) معلوم نباشد وجود پله مذکور در گنبد ری Reyy شایان عطف توجه می‌باشد.^{۹۹} از نظر روکش تزئینی آجری هم برجهای دماوند و خرقان از جمله مدارك زنده دیگري بشمار می‌روند بخصوص طرح‌های برجسته و گود برج دماوند شباهت زیادی به نمونه‌های قلم‌كاری روکش کچی سنگ‌بست (ام ۱۰۲۸ - ۴۱۹/۹۹۷ هجری) دارند و نيز در جای

۹۷- رك به ص ۱۱۰- آثار ايران تاليف گدار.

۹۸- رك به ص ۹۸۶ سوروي

۹۹- به پاورقى ۹۳ مراجعة شود (آقاي محمد تقى مصطفوي دركتاب خود شرح داده‌اند). از زمانیکه مأخذ ادبی هم توانيد کمک‌گشته، مقدسی مورخ عرب به گواه دیگري اشاره کرده است: می‌نويسند که در روی آرامگاه‌های پادشاهان آآل بویه گنبدهای بلندی می‌ساخته‌اند و ضمن آن به آرامگاه فخر الدوله پادشاه آآل بویه اشاره می‌کنند (سالهای ۹۷۶-۹۷ ميلادي = ۳۶۵-۳۶۷ هجری) و نيز در همان مقاله دو برج تاریخي دیگر را معرفی می‌کنند (كتاب حکومت يا قوانين پادشاهان تاليف دريك H. Darke) ص ۱۷۲ چاپ ۱۹۷۰ ميلادي و جلد سوم دايرة المعارف اسلامي تاليف مينور سکى ص ۱۱۰ چاپ ۱۹۳۶.

دیگر شرودر Seroeder اظهار نموده است^{۱۰۰} ابداع روکش آجری که با استادی و مهارت بعمل آمده است از سبکهای مشخص معماری ایران در دوره فرمانروائی سلسله آل بویه بوده است. علاوه بر همه اینها طرحهای مشخصی که از تمرکز انبویی سایه روشن یاک حالت در اماتیکی در روی هفده اسپر برج آرامگاه دماوند بوجود آورده‌اند مشاهده می‌گردند. طرحهای اصلی هریک از اسپرهای هفده گانه برج دماوند بطور محسوسی با یکدیگر فرق دارند (شکل ۴) اگر ما آرامگاههای دوره بعد از سامانیان را که با آرامگاههای مشابه، مذکور را در سده دهم میلادی (۴ هجری) مورد بررسی قرار دهیم متوجه می‌شویم که این طرحها تاچه‌حد تحت تأثیر طرح کاشیکاریهای کف گنبدهایی که در دوره بنی‌امیه مورد توجه بوده قرار گرفته و مؤثر واقع شده است و دفعتاً ظاهر شده‌اند.^{۱۰۱} طرحهای مانند ۷ و ۸، لوزیهای راسته و خفته، (پله‌ای) هشت ضلعی‌های زنجیری واشکال ستاره‌ای از نوع آنهایی که در تصویر (۴-پ) نشان داده شده‌اند درست مانند طرح کاشیکاریهای سده هشتم میلادی (سده دوم هجری) خربت واقع در مفجار^{۱۰۲} Khirbat at Mefjar با توجه به طرحهای خرقان ملاحظه می‌شود که بطور حیرت‌انگیزی نسبت به زمان خود پیش‌رفته هستند. بحدی که نقوش بسیار زیبا و برازنده‌ای زینت‌بخش گنبدهای بالای اسپرهای آرامگاه اول خرقان می‌باشند و طرحهای سایه‌دار دیده نمی‌شود و نیز در برجهای خرقان بجای طرحهای ساده آجری برج دماوند یک سری طرحهای پیچ در پیچ جدیدی دیده می‌شود در حقیقت می‌توان گفت که طرح اختصاصی اسپر ضلوع

۱۰۰- ر-ک به صفحات ۹۸۷ و ۱۰۳۸ سوری

۱۰۱- ر-ک به صفحات ۱-۳۲۰ خربت و مفجار تالیف هملتون (۱۹۵۹)

۱۰۲- ر-ک به هملتون تصاویر ۱۷-۲۲ و ۲۸ و ۳۰ و ۲۲-۲۲-۲۰ و ۲۰-۳۳ و ۳۴-۳۴ که عکس‌های کمی رنگی هستند.

چهارم (تصویر ۱۰-ب) و طرحهای آجری که درستونهای ضلع ۵ و تصویر (۱۰-ت) بکاررفته در اسپرهای تزئینی برج دماوند دیده نشده است ولی حقیقت قابل توجه این است که این طرحهای سه گانه فقط در بند کشیهای مستقیم و محل اتصال آجرها بکاررفته اند و در طرح آرایشی خیلی مختلف بوجود آورده‌اند.^{۱۰۳} در بین سایر نقوش اسپرهای تزئینی برج اول موجود در اضلاع ۳ و ۵ و ۶ (تصاویر ۱۰-ب و ۱۱-الف) و طرحهای سه‌ستون دیگر از اسپرهای ۲ و ۷ (تصاویر ۱۰-پ سمت راست و ۱۱-ب) قابل ملاحظه می‌باشند. هنوز هم در این زمان این گونه متیف‌های هندسی زیبا که قبل از ساخته می‌شدند مورد پسندی باشد. بطوری‌که طرح لوزیهای متروک تغییر شکل یافته و در یک سری طرحهای توسعه یافته و شگفت‌آور جدید متجلی گردیده است.

علاوه بر همه اینها این خصایص منحصر به فرد نمای خارجی برج اول خرقان حائز اهمیت و قابل تحسین می‌باشد و یا بیش از سی طرح خارجی متحدد الشکل که هر یک به تنهائی در نوع خود از نظر استحکام و زیبائی بصورت کمال مطلوب در آمده‌اند. از این‌رو تصویری مبنی بر اینکه نواحی غربی یا مرکزی ایران تا قبل از پایان سده یازدهم میلادی (پنجم هجری) قادر آن‌واع آرایشهای آجری بوده است بکلی متروک شناخته می‌شود.^{۱۰۴} و در حقیقت مشکوک بنظر میرسد که چرا نوع آجرکاری برج خرقان مرغوب‌تر بوده است زیرا علت آن معلوم نیست. بعلاوه مجموعه شواهدی که در برج دماوند و برج اول خرقان و برج دوم خرقان وجود دارند (تقریباً با هفتاد طرح بی‌نظیری که در آرایش نمای

- تقاویت کلی بین دو شیوه بر حسب مقایسه که دارد ممکن است غیرقابل توضیح باشد ولی باید بخاطر داشته باشیم که انتخاب موئیف‌ها فوق العاده دشوار است و بدون داشتن اطلاعات وسیعی از بناء‌های تاریخی که بمنوان راهنمای خواهد بود نباید تقاویت‌های زیادی بین دوناییه هموار قائل شویم و بهتر است بررسی مجددی در خصوصیات معماری ایران و آسیای مرکزی بعمل آوریم.

- ریگ به ص ۹۴۹ سوروی

خارجی آنها بکار رفته) چنین وانمود میسازند که در آن زمان فرم هشت ضلعی توسعه زیادی داشته و مخصوصاً از نقطه نظر آرایشی و طرحهای تزئینی بسیار حائز اهمیت بوده‌اند و از نظر تزئین به عالیترین درجه آرایش خود رسیده بودند تا جایی‌که نقشی متفوّق این طرحها نمی‌توان به یک آرامگاه مدور اضافه نمود، معمولاً هریک از اضلاع یک آرامگاه چهار ضلعی را باید بدوسپرت تقسیم نمود (مانند اضلاع گنبد سرخ). با وجود این‌که نمونه‌ای موجود نیست که به آن اشاره کنیم ولی بهتر است بپذیریم که اسپرهای آرامگاه دوازده ضلعی همیشه از هرجهت بهترین نوع مطلوب بوده‌اند.

تنها مطلب دیگری که قابل ملاحظه می‌باشد اثر عوامل طبیعی است که نمیتوان اثرات آزاد قیقاً اظهار نمود و یکی از آنها حرکت دور خورشید است که مشاهده می‌گردد خصوصیات هریک از اسپرهای اسکال موجود به لحظه تغییر میدهد. بالاخره اگر استحکام و گیرائی برج اول موجب تمایز آن از انواع پیشین خود گردد، شیوه بهتر و شکوه و پیراستگی برج دوم آنرا در ردیف عالیترین آثار تاریخی درآورده و سبک آن بعنوان سمبل معماری الهام‌بخش سده‌های بعد از خود بوده است. و با وجود این که بحال اولیه باقی نمانده اسکال موجود بنا هرگز در هم نشده‌اند و مصالح آن نیز مرغوب‌تر از مصالحی است که در گنبد کبو得 (۱۹۶-۵۹۳ هجری) که بعد از آن ساخته شده است بکار رفته است.^{۱۰۵} و همچنین با توجه به آرایش بسیاری از آرامگاه‌های چهار ضلعی یا هشت ضلعی آشکارا دیده می‌شود که در بکار بردن کاشیهای لعابی^{۱۰۶} از بنای‌های تاریخی خرقان متأثر شده‌اند و استفاده از نوع آجرهای ساده برج دوم به عنوان یک سنت قابل ملاحظه‌ای در تاریخ معماری دوره اسلامی پایی بر جامانده است.

۱۰۵- تصویر ۳۴۲-ب سوری

۱۰۶- این فقط موضوعی است که در گنبد سرخ مراغه مراعات شده است.

وقوعیت و شرح کلی تصاویر

- ۱-الف. محور در ورودی در ۱۶۴ درجه شمال غربی حقيقی رانشان می دهد.
- ۲- الف. آجرهای مربع یا تقریباً مربع ستونهای برجسته در میان همه حفره های جای چوبستی در این تصاویر دیده میشوند.
- ۳- پ. حلقه گنبد دارای ۲۱ لایه آجری بوده و قسمت بالائی آن ضعن تعمیر، سفید کاری شده و نیز در دیوارهای جانبی گچ کاری با دوام بعمل آمده است.
- ۴- الف. یک کتیبه مخصوص که با ستاره هائی مشخص شده است از مسجد ساوه (از بنایهای سال ۱۶۰۱ میلادی و ۴۵۳ هجری) اقتباس شده است رجوع شود به جلد دوم معماری اسلامی اسمیت Smith بخش دوم شکل ۲۳ و همچنین برای آگاهی بیشتر به صفحه ۱۶۳ همان کتاب اسمیت توجه شود.
- ۵- ب. یک نوع آجر تراشیده نامنظم که شاید هنگام شکستن نسبت به جای خالی تخمین زده شده است در گوشه سمت چپ کف بنا دیده میشود.
- ۶- الف. پوشش تزیینی ستونهای گلبرکدار و گلهای آرایشی شش بر که باشکوه زیادی مشاهده میگردند در قسمت پایین پایه سنگی دوراه پله برج بقایای سیمان روکش بنام شخص شده و در پایه بنا آجرهای کم هلات کار گذاشته شده است و بالاخره قسمتهای بندکشی نشده هم دارای خصوصیات قسمتهای بالائی هستند.
- ۷- ب. اثر انگشت در بندکشی روی ستون سمت چپی و همچنین در ستونهایی که دارای طرحهای پیچیده میباشد مشهود است.
- ۸- پ. مجددآ چند طرح نادر در روکش آرایشی ستونها به چشم میخورد.
- ۹- الف. شکل کامل هردو اسپر و چهار طرف ستونهای جانبی در ورودی نمایش داده شده است.

- ۷- ب. دورنمائی از اولین دید دیوارهای که در این تصویر دیده میشوند در چندین سال اخیر ساخته شده‌اند.
- ۸- الف. طرح ستون سمت راستی برج اول مانند ستون طرف دیگر است و با طرح ساده ستون داخلی مسجد حیدریه قزوین یکسان میباشد.
- ۸- ب. خانه‌های بسیاری دردهکده و حصار ارمی در آن سوی برج سمت راستی دیده میشوند.
- ۹- الف. نقوش وسط هردو مدار تزیینی بر جسته شبیه نقوش مسجد جامع قدیمی گلپایگان میباشد و گمان میرود که از آن اقتباس شده باشد.
- ۹- ب. شکل مخصوص طرح پیچ در پیچ زیرلبه رومی‌ها و گچ بریهای بر جسته داخلی اسپرهای زیررومیها و آجرهای که سه گوشه کار گذاشته‌اند و مینیاتور کاریهای بر جسته با حاشیه‌های مهرهای که غالباً برای تنوع گچ - بریها از اوایل سده هشتم میلادی (سده دوم هجری) تا سده دهم میلادی (سده چهارم) بکار میرفته است، ممکن است که از گچ بریهای زمان خود الهام گرفته باشند. ر. ل. ب. هامیلتون Hamilton و شکل ۱۰۵ همان کتاب و شکل ۴۵۵ و تصویر ۲۶۸ سوروی Survey.
- ۱۰- ب. دیوار خارجی هرستون راه پله‌های بطور کامل نشان داده شده و از روکش سنگ چین پایه دیوارها بهتر ساخته شده‌اند.
- ۱۱- ب. طرح ریزی این اسپر که نظیر آن در گنبد برج آرامگاه چهل دختران ساخته شده (۱۰۵۶ م و ۴۴۸ هجری) تصویر ۳۴۰ و شکل ۱۹۹ هیل و کرا بر رانگاه کنید.
- ۱۲- الف. کتیبه‌ایست که بی‌نهایت ساده ساخته شده است و یکی از انواع طرحهای دوازده، هشت‌ویا شش طرفه در برجهای خرقان رانمایش میدهد.

۱۲- ب. طرح کتیبه‌ایست که در روی ضلع دوم بـکار رفته است یکی از طرحهای مورد پسند و متدالون سده‌های یازدهم و دوازدهم هیلادی (سده پنجم و ششم هجری) بوده است.

۱۲-پ . شاید معمار در ساختن برج اول خود نمایی نموده باشد و از این رو به سبب دارا بودن خصوصیات در هم و پیچیده در برج دوم بکار رفته است .

۱۲-ت. کتیبه درهمی است که در بین بقیه کتیبه‌ها منحصر بفرد است زیرا بطور کلی از آجرهای چار که ساخته شده است و این طرح در مجاورت کتیبه ضلع هشت (تصویر ۱۱-پ) غیر مترقبه به نظر میرسد و هر بیننده غیر متخصص هم می‌تواند اظهار کند که از هرجهت ساده وابتدائی ساخته شده است.

۱۸- ب. در این عکس نشانه ریزش پنجره کوچک بالای رومی و همچنین طرحهای لوزی شکل که بین حد نهائی بدنه و حلقه گنبد در دور تادور بنا ساخته شده نمایش داده شده است.

۱۹-الف. باستثنای دوایر کوچکتر در همه جا طرحهای آجری بر جسته بوده و دو اسپر کوچک و رومی آن دارای طرح ساده تراز اسپر ضلوع دومی باشد ولی طرح ستونهای کوچک به یک سبک جدیدی تغییر شکل یافته است.

۱۹- ب. بالای رومیهای ضلع چهارم و پنجم و ششم آجرها را خفته و راسته قرار داده‌اند و نقوش گل و بوته‌ای که در خطوط مستقیم بوجود آمده در زیر رومی، هر بوطه دیده می‌شود.

-۲۰- الف اسپرهاي کوچك ضلум سه ديده هيسوند.

۲۰- ب در اینجا سه طرح کوچک درست بر عکس طرحهای ضلع چهارم ساخته شده‌اند.

۲۱- ب. نشانه درهم بر همی در پائین اسپر ضلع دوم که مجدد آصمون تعمیر تقریباً بشکل اولیه خود درآمده است. در تصویر (۱۱-ت) که بطور کلی هردو طرح اولی و بعدی با مهارتی ساخته شده‌اند. همچارت در بکار بردن توده‌های آجرها بجایی رسیده که سازند گان توانسته‌اند تنظیم و ترکیب اشکال را با طرح اولی تقریباً شبیه سازند برای اینکه نمونه اولی را بهتر ببینید بشکل ۲۰۳ همیلتون مراجعه شود.

۲۲- الف - خطوط منحنی لبه سر در ورودی و اسپر اصلی در این تصویر نمایش داده شده و ممکن است طرح گچ بری باریک کتیبه آرایشی شبیه گچ کاریهای اطاق اصلی گنبد مسجد جامع اصفهان باشد (شکل ۳۲۹ سوروی).

۲۳- ب - موارد استفاده آجرهایی که بطریق راسته برای محکم کردن آجرهای روکش تزئینی بنابکار رفته‌اند دیده می‌شوند.

۲۴- ب - نقاشیهای برج اولی مانند جاهای دیگر است و کارهای مینیاتوری و رومی‌ها شبیه زورق وارونه (اسپرها و رومیهای کوچک) تقریباً از ابتکارات شخصی معمار بشمار می‌آید.



شرح کتیبه‌ها و نوشه‌های آرامگاه‌های خر قان

از آقای اشتتن S. M. Stern

برج اولی یا شرقی ترین برج

نوشته‌های روی برج اولی و همچنین روی برج دوم خر قان تا اندازه‌ای دارای جنبهٔ تاریخی و تا حدی هم قرآنی هستند. و بطور کلی نوشته‌های تاریخی در طرف اصلی ۱. جای گرفته‌اند که یکی از آنها در سه کتیبهٔ مجزای بالای در ورودی می‌باشد. دو کتیبه در روی گنبد بالای کتیبه‌های آرایشی جا گرفته است در حالیکه سومین کتیبه در روی طرف اصلی بفاصلهٔ کمی در بالای در ورودی قرار دارد.

خطوط قرآنی که از طرف اصلی شروع شده در دور تا دور بنا با صلهٔ کمی در زیر کتیبه‌های آرایشی جای داده شده‌اند. بنابراین سومین کتیبه طرف اصلی (وقتی از بالا شمرده شود) متعلق به خطوط قرآنی است و اصلاحه نوشته‌های تاریخی مربوط نیست (تصاویر ۷ - الف و ۸ - الف).

خواندن نوشه‌های تاریخی مانند نوشته زیرین می‌باشد (تصویر ۷-الف برای خط و تصویر ۹-پ رانگاه کنید).

۱- بتاریخ سنه ستین واربعماهه (بتاریخ سال ۴۶۰ هجری قمری)

۲- عمل محمد بن مکی القبة

۳- ابوسعید - سحر بن صد . (صد مانند اصل است)

من تصور میکنم که خط دوم بایستی پیش از خط اول خوانده شود^{۱۰۷} تا از دو خط یک جمله عربی ساخته شود ، در صورتی که اگر غیر از آن باشد ظراحتی نخواهد داشت .

۲- محمد مکی الزنجانی گنبد را ساخته است .

۱- در سال ۴۶۰ هـ^{۱۰۸}

۳- ابوسعید بیجار (؟) پسر صد

اولین و چهارمین لغت در خط اول کمی خراب شده اندولی چونکه خوانده میشوند احتیاجی نیست که به جزئیات آنها پرداخته شود . ولی من قادر به درک پنجمین کلمه نیستم زیرا زیاد از بین رفته است ولی نوشته خط دوم کاملاً محفوظ مانده است .

محمد بن مکی الزنجانی گنبد را ساخته است و در فاصله چند نقطه در باره این کلمات می‌توان مطالبی نوشت . شکی نیست که می‌توانیم کلمه عمل amila را بعنوان یک فعل بخوانیم برای اینکه القبه al qubba مفعول جمله است . هر چند این قاعده ایکه مایر L.A.Mayer اظهار داشته نوشه‌های معماری

۱۰۷- در نوشه‌های تاریخی آرامگاه دوم نیز از ردیف خارج شده و باید با سطر سوم خوانده شود .

۱۰۸- عبارت به تاریخ سنه را باید از نظر کتبیه شناسی بررسی نمود .

درجائیکه باید عمل *amal* خوانده شود بعنوان اسم بکار برده میشود و عمل *amilia* را همیشه نمیتوان بکار برد.^{۱۰۹}

قبه Qubba «گنبد» برای مساجد در نوشته‌ها بعنوان بقعه بکار میروند
برج لاجیم ۱۰۳۲-۳ میلادی (۱۳۴ هجری) ر.ک. به کتاب (باستانشناسی هتلوزن)
از ایران جلد هشتم تصویر ۷۸ (Archaeologische Mitteilungen aus Iran) برج رسکت (آثار ایران جلد اول ص ۱۲۰) دامغان ۱۰۲۶ م - ۴۱۷ هجری
(فهرست ۲۳۵۲) دامغان ۱۰۵۴ میلادی - ۴۴۶ هجری (فهرست ۲۵۷۲) امام دور
۱۰۸۶ میلادی - ۴۷۸ (فهرست ۲۷۵۶) مراغه ۱۱۴۷-۸ میلادی ۵۴۲ (آثار ایران
جلد یکم تصویر ۱۳۳) ری ۱۱۵۱ میلادی ۵۴۶ (فهرست ۳۱۵۳) با وجود این کلمه
قبه را در بعضی جاها در روی گنبد مساجد بعنوان نام بکار برده‌اند. برای
مثال دو گنبد مسجد اصفهان (فهرست ۲۷۷۴) و مسجد گلپایگان (فهرست ۲۹۷۴)
را میتوان نام برد.

خط سوم با فاصله کمی بالای در ورودی قرار گرفته است و بادقت و مهارت
زیادی نوشته‌را بیش از حد معمولی بر جسته ساخته‌اند اسمی که در کتیبه نوشته
شده بسبب محو شدن خوانده نمیشود ولی نام کسی که آرامگاه برای او ساخته
شده است اگرچه بیگانه بنظر میرسد زیرا چنین کلمه‌ای در بین اسمی خود
نداریم و این آرامگاه . . . است یا کلماتی که در این آرامگاهها معمول بوده
است نوشته‌اند آنچه که سبب میشود نام آن بیشتر بیگانه جلوه کند عدم وجود
هر نوع عنوان برای نام صاحب آرامگاه میباشد. اولین کلمه اسم کونیا *Kunya*
است که بخوبی خوانده میشود ابوسعید ابو نام آنقدر خاصی نیست و من

- ر.ک. به پاورقی ۳ ص ۲۵ درباره معماری دوره اسلامی: من مایل هستم که کاملاً مطالب را واضح
بیان کنم در مورد کلمات سنته و عمله باید بگوییم که باید سنته و عمل بخوانیم.

نمیتوانم آنرا بعنوان یک اسم فارسی یا عربی تعبیر کنم^{۱۱۰} ممکن است که آن یک اسم ترکی باشد در هر صورت من نمیتوانم آنرا یک اسم قابل قبولی پیشنهاد نمایم . اسم پدر صاحب آرامگاه با یک حرف (ص) و یک حرف (د) شروع میشود و حرف بعدی هم از بین رفته است و آخر خط در زیر سنگ کاری که بعدها بعمل آمد پنهان شده است خطوط قرآنی از بالای طرفی که در ورودی قرار دارد شروع شده و تا محل بند آجر ستون پیش رفته ، و بقیه آن از طرف دیگر بهمین ترتیب ادامه داده شده است وقتیکه بالای ستونها خراب شده قسمتی از خطوط نزدیک آنها هم از بین رفته است و همچنین کتیبهٔ ضلع سوم هم از بین رفته است . و خطوط قرآنی شامل آیه‌های ۲۱-۳۲ سوره ۵۹ میباشد که در بین اضلاع ستونها بشکل زیر تقسیم شده‌اند (عکس‌های ۷-الف، ۱۰۸ و ۱۲)

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان . اگر این قرآن را برای کوهها نازل میکردیم، هر آینه مشاهده میگردید که آنها از خوف خداوند متلاشی میگردیدند . این مثال را برای کسانی میآوریم که شاید در آفرینش جهان اندیشه نمایند . او خداوندی است که بجز او خدای دیگری نیست دانای آشکار و نهان است ، بخشندۀ و مهربان است ، او خداوندی است که بجز او خدای دیگری نیست و پادشاه پاک و منزه و محفوظ دارندهٔ مؤمنان و خداوند بزرگ و هوستی بخش است .

خداوند از شریک و همانندی که برای او تصور میکنند بی‌نیاز است او آفرینندهٔ پاک و منزه است . دارای نامهای نیک است . آنچه که در آسمانها و

۱۱۰- هر چند که آن (بی‌جان) است ولی میتوان آنرا (بیژن) خواند که نام یکی از قهرمانان بزرگ حمامی ایران است .

buttress 1.

side 1.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَوْلَا أَنْزَلْنَا [هَذِهِ] الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَنَاحَيْنِ

buttress 2.

side 2.

[لَنَا] إِنَّهَا خَاتِمُ الْكِتَابِ هُنَّا لِلَّهِ وَنَّلَكُ الْأَمْتَالِ

buttress 3.

side 3.

نَّصْرٌ بِهَا لِلنَّاسِ لَعْلَمُهُمْ يَتَكَبَّرُونَ مِنَ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

buttress 4.

side 4.

[عَلَيْهِ] لَمْ يَعِبْ وَالشَّهادَةُ هُوَ الرَّحِيمُ [الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي]

buttress 5.

side 5.

[لَا] إِنَّهُ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَمِّنُ [الْمُهَمِّنُ]

buttress 6.

side 6.

الْعَزِيزُ الْجَبارُ الْمُتَكَبِّسُ سَبِّحًا [إِنَّ اللَّهَ عَمَّا يَشْرُكُونَ] [إِنَّهُ إِنَّهُ]

buttress 7.

side 7.

الْمَالِكُ الْبَارِئُ الْمَصْوُرُ [إِلَهُ الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى] بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

buttress 8.

side 8.

[فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ] [الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ]

ترتيب آيات سوره ۵۹ دور تا دور برج دوم

زمین است اورا ستایش میکنند او خداوند بزرگ و دانای است. موضوع متن دقیقاً مناسب یک آرامگاه نیست و در حقیقت مطالعه فهرست خطوط ثبت شده سده پیش و خطوط نوشته شده بعداز بنای تاریخی مورد بحث مانشان میدهد که این نوع خطوط در جای دیگر نوشته نشده‌اند. آیه پیش از (سوره ۵۹ و آیه ۲۰) بیشتر به آرامگاه‌ها اختصاص دارد (مردمی که سزاوار آتش و مردمیکه در خور بهشت هستند یکسان نیستند و کسانی موفق هستند که سزاوار بهشت باشند) هر چند که آن هم جزء خطوط مطلوب آرامگاه‌هابشمار نمی‌آید و حتی این نوع نوشته‌ها در روی بنای ساخته شده در طول دویست سال اخیر مصر هم فقط در دو آرامگاه دیده شده است (فهرست شماره ۲۰۶۰ و ۲۳۸۲) ولی من نمیتوانم بطور دقیقی طرز نگارش نوشته‌های قدیمی را توصیف کنم. آنها از نظر شکل شبیه خطوط کوفی هستند و سازند گران آنها تو انسه اند با مراعات کامل اصول فنی و مقتضیات آن بخوبی از عهده این مهم برآمده و حروف آجری را با محابر زیادی در این محل بکار ببرند. آجرهای یک پهلو به شکل حروف مورد نیاز در جای خود قرار داده شده‌اند و در نحوه کار گذاردن آنها فقط اند کی جنبه تزیینی مراعات شده است.

کلمه «الله» در شمار (نوشته قرآنی ضلع یک) میباشد و بطور مخصوص و همان طور یکه اشاره کردم به حرف «ل» کاملاً شکل غلطی داده شده و معمولاً این کار در تزیین کلمه الله متداول بوده که برای زینت دادن دو «ل» بعمل میآمده است. در صورتیکه در اینجا آن نوع عمل تزیینی را در جای «ل» دوم بعمل آورده‌اند و در واقع در تزیین کلمه القبه که در خط دوم نوشته تاریخی دیده میشود کاملاً از تزیین کلمه الله مذکور پیروی شده است. و در حقیقت چنین استنباط

می گردد که ممکن است در طرز آرایش حرف «ق» از چنین کلمه‌های اقتباس شده باشد.^{۱۱۱}

در بالای حروف (م - ه - ت - واو مربوطه - صاد - ع و سط) تزیینات مهره‌ای یا حلقوی و گل و بوته‌ای بسیار جالب و دوست داشتنی بعمل آمده است و فرم تزئین عینی (ع) که در ضلع چهار است کمی شبیه عینی (ع) است که در طرح ضلع شش بکار رفته است.^{۱۱۲}

خطی که اسم ابوسعید وغیره در آن نوشته شده بسیار زیبا است و حاشیه آن را با گل و شاخ و برگ (نظیر شاخ و برگ پیچ گل معروف امین‌الدوله که سابقاً در ساخته‌انهای قدیمی ایران برای آرایش بکار میرفته) زینت داده‌اند. بعلاوه هر یک از حروف بشکل حرف مربوطه ازدواج خش آجری یاسفالی تشکیل شده است (این حروف را یا از آجرو یا از سفال تهیه می‌کردند) و سپس بطرز صحیحی در روی کتیبه مربوطه بنا جای میدادند. در روی طرح هندسی خطوط متقطع و سط ضلع اصلی که چندین جا کلمه‌الله دیده می‌شود فرم زینت داده شده حرف (ل) را نمایش می‌دهد.

برج دوم یا برج شرقی :

با وجود اینکه نظم و ترتیب نوشته‌های قرآنی روی این برج شبیه تزیینی است که در روی برج اولی بعمل آمده است ولی نوشته‌های تاریخی در روی یک اسپر

۱۱۱- بسختی میتوان گفت که آنرا میتوان مانند کلمه الله خواند زیرا قابل قبول بنظر نمیرسد.

۱۱۲- مشکوک بنظر میرسد که آیا ترجمه اولین کلمه مانند عمل اینجا هم عمل خوانده شود و در نتیجه باید قبول کنیم که بجای کلمه ابو بغلط ابی در سطر چهارم گذاشته شده است.

در چهار سطر درست بالای درورودی جادا ده شده اند خط اول فقط شامل: (به تاریخ) است که تصور میکنم از ترتیب خارج شده است ولی در حقیقت بایستی به خط سوم تعلق داشته باشد. سه خط با قیمانده دیگر از هر جهت شبیه سه خط برج اولی است. سطراویل به نام سازنده برج و سطر دوم بتاریخ ساختمان برج و سطر سوم به اسم شخصی که در این آرامگاه دفن شده اختصاص داده شده است (تصاویر ۱۶ و ۱۸ - الف).

۱	بتاریخ
۲	عمل ابی المعالی بن مکی الزنجانی
۳	سنه سته و ثمانين واربعه ماته
۴	ابی منصور السی (السسی) بن تکین

وبنظر اشترن بایستی این طور نوشته میشد:

۲ - ساخته شده توسط ابوالمعالی بن مکی الزنجانی

۱ - ۳ - در سال ۴۸۶

۴ - ابو منصور ... (؟) فرزند تکین (؟)

نوشته ها کاملاً محفوظ مانده فقط اشکال در خواندن خط چهارم است که بسبب از بین رفتن قسمتی از کتیبه ومحو شدن بعضی از علائم و نقطه ها اسامی نوشته شده نا مشخص می باشند.

در اینجا از ابوالمعالی فرزند مکی بعنوان معمار بنا نام برده شده .

در صورتیکه در برج اول معمار ساختمان محمد فرزند مکی بوده است .

مع الوصف امکان دارد که سازنده این برج هم همان شخص بوده باین معنی که محمد اسم کوچک او ابوالمعالی کنیه او بوده است و اختلاف شکل اسم وی ممکن است صرفاً بسبب هوسری تغییر یافته باشد. نظر دیگر اینست که می‌توان تصور نمود که شاید ابوالمعالی فرزند مکی الزنجانی برادر محمد فرزند مکی الزنجانی بوده است.

کنیه منصور^{۱۱۳} تنها کلمه‌ایست که در بین دیگر اسامی بخوبی مشخص می‌باشد که مسلمان نام صاحب آرامگاه بوده و آرامگاه برای اوساخته شده است. همانطوری که در سطح سوم نوشته تاریخی برج اول دیده می‌شود نام صاحب مقبره در این آرامگاه ذکر شده است. اسم پدر و مقام اجتماعی صاحب آرامگاه نامشخص است. نوشته طوری است که می‌توانیم اسم پدر را بیک نام عربی تعبیر نماییم: بوکایر^{Bukayr} یا بودایر^{Tigin} یا مانند یک اسم ترکی تگین است که گاهی تیکین و زمانی تکین تلفظ می‌شود (Tigin-Tikin) و بالاخره باید متنظر کرد که در این خط تاریخی (حرف-ر-) و حرف نون آخر(ن) یکسان نوشته شده‌اند حتی از نظر شناخت نام و مقام صاحب آرامگاه بسیار ناشناس و نامشخص است و نمی‌توان اظهار عقیده نمود که آن در شمار اسامی عربی یا فارسی است. بنظر میرسد که دو حروف اول این کلمه حرف(الف) و حرف(ل) باشد و یکی از سه حروف بقیه کلمه مثل اینکه (س) یا (ش) است یا بدنۀ سه حروف مستقل دیگر هستند و هر دویک بعنوان یک حرف اصلی برای پنج حروف دیگر مربوط می‌شود و بدنۀ هر یک از حروف جدا نوشته شده است؟

^{۱۱۳}- من گفته‌ام شاید کلمه ابو مانند کلمه ابوسعید در برج اول نوشته شده باشد.

و یا آیا فقط یک خط منحنی (ی) آخر کلمه است که با مهارت زیادی به حرف پیش از (ی) آخر کلمه متصل شده یا ها باید دو حرف دیگر را تشخیص بدھیم و یا هنوز بدنه یک حرف دیگر با آن اضافه میشود ؟ در حقیقت امکان دارد انواع ترکیبات بیشماری در ترکیب و طرز بهم پیوستن حروف بعمل آیداز این رومدن در زیر باحروف بزرگ مثال میزنیم. ئیل تای تی Il-tay-ti (یک اسم ترکی است که شاید در جائی به آن برخورد کرده باشم) یا ئیلش تی Ilshti (که صدای آنهم مانند صدای اسمی ترکی است) ولی من واقعاً نمیدانم که چنین اسمی وجود دارد یا خیر، شاید یک متخصص زبان ترکی پیشنهاد بهتری داشته باشد . در غیراینصورت برای آگاهی بیشتر میتوان از فرهنگ اسمی ترکی مانند ژوستی Justi و فرهنگ‌های قدیمی و مفید اسمی فارسی استفاده بعمل آورد.

نوشته‌های قرآنی در این برج هم مانند برج اولی کاملاً از زیرکتیبه‌های آرایشی در دور تادور آرامگاه نوشته شده است. و بعلاوه بخش بندی متن سوره در بین اضلاع و ستونهای مختلف درست مانند بخش بندی متن سوره در روی برج اول بوده است (که مجدد آرائه متن کاراضافی بنظر میرسد) در این تقسیم- بندی بخوبی پیداست که معمار ساختمان از ترتیب آیه‌های سوره برجی که ۲۶ سال پیش از آن ساخته شده پیروی کرده است. این برابری توسط خطوط تزیینی که مانمنه آنرا در برج اول دیدیم بعمل آمده است. (به تصاویر ۱۸-۱ و ۲۲ نگاه کنید).

کتیبه دومین نوشته قرآنی در بالای دررودی ساخته شده است. (تصاویر ۱۸-۱-الف).

از متنی که در روی ضلع عمودی طرف راست وجود داشته فقط چند حروف آخر باقیمانده است که به سبب کمی آنها چیزی مفهوم نیست و نمیتوان از نوشه های آن نتیجه ای گرفت و نوشه های افقی سمت چپ هم شامل آیه ۱۱۵ سوره ۲۳ می باشد.

افجستم انما خلقنا کم || عبشاً وا | نکم الینالاتر جعون] «آیا شما فکر می کنید ما شما را بیهوده آفریده ایم و یا آنکه شما بطرف ما بر گشت داده نخواهید شد؟ »

البته این یک موضوع مناسبی برای آرامگاه می باشد. گرچه بررسی مجدد فهرست نشان میدهد که این جمله از جملات متداول زمان ساختن بنای تاریخی مورد بحث ماشناخته نشده و با آن زمان تعلق نمی کیرد چه آیه آخری همان سوره (آیه ۱۱۸) یکمرتبه هم در (فهرست شماره ۲۱۶۴) نوشته شده است.

نوشته هائی که در برج دوم بکار رفته خیلی شبیه به آنهایی است که در برج اول دیده شده است گرچه در کلیات نوشه های قرآنی کمی اختلاف است ولی نظر باینکه برج دوم در مجاورت برج اول قرار گرفته حروف موجود روی هر دو برج در زمینه یکسانی در روی ساختمان ها جداده شده اند ولی نوشه های برج دوم تا اندازه ای شکل صحیح تری بخود گرفته اند ولی بطریقی که حروف شکل اصلی خود را حفظ کرده اند و همان نوع تزیین مهره ای شکل فوق الذکر در آرایش آنها هم بکار رفته است ، حتی همان اختلاف بین حرف (ع) ساده و شکل بسیار آرایشی و تزیین شده آنرا در روی این برج هم می بینیم حرف (ع) در سطح دوم نوشه های تاریخی تزیین شده است . و حالت ساده آن مانند (ع) برج اولی در بین اصلاح و ستونهای مختلف دیده می شود. و پیداست

که معمار طرح ریزی نوشه‌های روی برج دوم خود را از نقشه برج اول پیروی کرده است.

هر چند که معمار در طرح کلمه الله ابتدای خط قرآنی برج اول اشتباهاتی نموده ولی در برج بعدی اصلاحاتی بعمل آورده است. در اینجا هم ما دو (ل) داریم که بین آنها بهمان شکل برج اول تزیین شده است.

نتیجه‌گیری :

مدارک تهیه شده از خطوط روی برجها برای دانش آموزان دوره معماری اسلامی بسیار قانع کننده و سودبخش می‌باشد زیرا بطوریکه ذکر شد هم نام معمار سازنده این آثار تاریخی بخوبی مشخص است و هم‌باها شامل تاریخ دقیق احداث می‌باشند.

اولین بنای تاریخی در سال ۱۰۶۷-۱۰۶۰ میلادی - ۴۶۰ هجری در زمان سلطنت آل ارسلان و دومین بنادر سال ۱۰۹۳-۴۸۶ هجری در زمان سلطنت ملکشاه سلجوقی ساخته شده است.

این آثار تاریخی باشکوه که نمونه بارزی از بناهای پابرجای دوره سلجوقی بشمار می‌روند از این‌رو حائز اهمیت هستند که تاریخ ثابتی برای ها بجای گذارده‌اند که از نظر تشخیص روابط بناهای تاریخی و همچنین از نظر تزیین روکش‌بنا و نوع نوشه‌های حروفی بسیار سودمند خواهند بود.

از بررسی نوشه‌های موجود روی این آرامگاهها استنباط می‌گردد که باحتمال قوی هر دو بنای تاریخی توسط یک معمار یعنی همان ابوالمعالی محمد بن مکی الزنجانی ساخته شده‌اند. و گمان نمی‌رود که او بنام دیگری شناخته شده باشد. اگر به‌اسامی معماران بناهای دوره اسلامی موجود در فهرست

مایر L. A. Mayer مراجعه شود^{۱۱۴} محققاً نام شخص مورد نظر ما در آن یافت نخواهد شد چون فهرست مزبور فقط شامل اسامی معمارانی است که در روی آثار تاریخی برپا ساخته خود علامت مشخصی بكاربرده باشند و از طرف دیگر نام بنایی ساخته شده در آن فهرست ثبت شده است. و حال آنکه بنایی تاریخی مورد بررسی ما تا کنون ناشناخته بوده و حتی تازمانیکه این کتاب تکمیل شود در هیچ یک از فهرستهای موجود نام بنایی تاریخی بدست آمده و یانا نساز نده آنها مشاهده نشده است. و از طرف دیگر متأسفانه در هیچ یک از منابع ادبی هم فهرست نام معماران ذکر نشده و خیلی نادر بنظر میرسد که نام معمار مورد نظر ما در آنها هم ذکر شده باشد. به حال چون نام معمار شامل کلمه نیسبا الزنجانی Nisba al Zanjani می باشد این دلالت براین مینماید که شهر زنجان زادگاه اصلی^{۱۱۵} وی بوده است. آرامگاهها در جنوب خاررود Khar Rud بین دره رودخانه قرار گرفته اند. از این رو بسادگی قابل فهم است که ممکن است یک معمار از مسافتی که چندان دور نیست برای انجام این کار دعوت نموده باشند. و همچنین واضح است که هر معماری در ساختن بنائی از تجربه خود و سایر معماران پیروی می نموده است. و نیز کاملاً معلوم شده که معماران شرقی هم مانند معماران غربی در مهاجرت از این شهر با آن شهر تفاخر مینمودند و از اسامی معمارانی که دور از زادگاه و محل بوی خود کار میکردند لیست کاملی تهیه شده است.^{۱۱۶} پس در این زمینه هم دلیلی ندارد معمار مورد

۱۱۴ - ص ۱۶۸ شماره ۳ توجه کنید.

۱۱۵ - درسده دهم میلادی (چهارم صحری) یک نفر فقیه در زنجان بنام مکن میزیسته که نام پدر بزرگ وی نیز مکن (السامانی النسب زنجانی بوده است) به حال نام یکی مگی چندان ناشناخته نیست که هجبور به شناسائی بیشتری باشیم.

۱۱۶ - رک به صفحات ۱۶۲-۱۶۳ جلد اول معماری دوره اسلامی مصر تالیف کراسول.

نظر را از دیگران مستثنی بدانیم چه ممکن بوده است در جای دیگری دور از زادگاه خود دیده و در بنای خود از آن پیروی نموده باشد.

مع الوصف طبیعی تر بنظر میرسد که این مطلب را بپذیریم که ممکن است او از شیوه‌های شهر خود پیروی نموده باشد. البته با توجه باینکه آثار موجود مدارک بسیار خوبی هستند ولی از بقایای ناچیز تاریخی در این باره چندان قیاس مهمی نمیتوان بعمل آورد که چگونه معمار توانسته است از طرحهای پیشین در ساختن نمای خود اقتباس نماید و یا اینکه آنرا بدون بررسی طرح استکاری خود اوبدایم.

و این موضوع قابل ملاحظه می‌باشد که نام معمار در بهترین و مشخص‌ترین جای بنای تاریخی نوشته شده است. بایر می‌گوید^{۱۱۷} که در روی همه ساختمان‌های دوره اسلامی هویت معمار بندرت ذکر می‌شده ولی خود او اضافه نمی‌کند که این عقیده نسبت بزمان و مکان قابل تغییر است.

در واقع باید بگوییم که به ما ماموریت داده شد تابناهای تاریخی که در این دوره در ایران ساخته شده بررسی نموده و تحقیقات ممکن را بعمل آوریم. در مدتی که برای بررسی مقوله آرامگاهها وقت صرف کردیم به اسمی و علامت معماری در روی آثار تاریخی نامبرده زیرین برخورد نمودیم.

لاجیم که از بناهای ۱۰۲۲-۳ میلادی و ۴۱۳ هجری (آثار ایران جلد ۱ ص ۱۱۲) است با آثار نامبرده زیرین مورد بررسی قرار گرفتند

دامغان از بناهای ۱۰۲۶ میلادی ۴۱۷ هجری (فهرست ۲۳۵۲).

یک سنگ قبر تاریخ ۱۱۲۶ میلادی - ۵۲۰ هجری تاریخ کذاری شده بود

(فهرست ۲۶۴۹).

^{۱۱۷}- رک به صفحات ۲۱-۲۲ معماري دوره اسلامي و کارهای انجام شده آنها

آثار تاریخی یزد ۱۱۳۸ میلادی ۵۲۳ هجری (فهرست ۳۰۹۴) و (۱۱۵۰ - ۵۴۵ هجری فهرست ۲۳۵۲).

مراغه ۱۱۴۷-۸ - ۵۴۲ هجری (جلد اول آثار ایران ص ۱۳۴) و نیز یک در از کارهای فقازیه با نام آهنگری (۱۰۶۳ میلادی - ۴۵۵ هجری فهرست ۲۶۴۹).

و نیز آرامگاه امام دور عراق (فهرست ۲۷۵۶) را مورد بررسی قرار دادیم این نوشته‌ها جواب رضایت‌بخش و قانع کننده خوبی برای سؤالاتی است که توسط دانشجویان رشته معماری و تاریخ هنر مطرح می‌گردد. تاریخ‌نویسی بایستی مختصر و مفید باشد. مخصوصاً وقتیکه این سؤال پیش آید. چرا، هویت اشخاصیکه آرامگاه برای آنها ساخته شده برای او جالب توجه شده و در این نظریه اطلاعات بدست آمده از خطوط روی بنا غیر قاطع جلوه گر می‌گردد. اگر کسی نوشته آرامگاههای همزمان یک منطقه را بررسی کند بی خواهد برد که آنها عنوان و مقام و اسم صاحب آرامگاه را با القاب و آبوتاب زیادی در روی کتیبه موجود روی بنا می‌نوشتند. حال در مقایسه آرامگاههای مورد بحث ما دیده می‌شود که در نوشته‌ها بطور مختصراً فقط با اسم صاحب آنها اکتفا شده است. و حتی باید اذعان داشت که آنچه هم از اسم آنها مشخص شده از روی حدس و گمان بوده است زیرا نوشته‌های موجود بخوبی خوانده نمی‌شوند و این خود معمائی است. و نیز به گمان قوی این تصور پیش می‌آید که ممکن است صاحبان این آرامگاهها شاید یکی از شاهزادگان و یا بزرگان و یا امکان دارد تاجر بزرگی بوده‌اند که از روی تواضع و فروتنی خواسته‌اند که چیزی با اسم آنها اضافه نشود و یا این تصور باطل بوده و هیچ یک از آنها نبوده‌اند و یکی از بزرگان مذهبی بوده‌اند که خواسته‌اند القابی مانند شیخ وغیره را در اول و

یا آخر نام آنها اضافه ننمایند. عدم وجود اطلاع کافی از عنوانهای آنها سبب میشود که سعی خود را در این باره تقلیل داده و به تحقیقات مقام اجتماعی مردی که آرامگاه برای او ساخته شده خاتمه دهیم.

اگر اسمی موجود عربی یا فارسی بودند تقریباً احتیاجی به بررسی، زیاد نداشت ولی چون بنظر میرسد که آن اسمی از نامهای ترکی باشد در این صورت این گمان پیش می‌آید که ممکن است از اعضای حکومتی سلجوقیان بوده‌اند. نظر دیگری که ممکن است حقیقت داشته باشد وجود منطقه‌ای است که بنای تاریخی در آن ساخته شده است. زیرا تا قرون وسطی شهری در آن منطقه وجود نداشته و این موضوع مستلزم مطالعه و بررسی جغرافیای تاریخی این ناحیه است که بطور خلاصه میتواند اطلاعات جامع و مفیدی را فراهم آورد. ناحیه‌ای که خرقان نامیده شده که در حال حاضر (قرقان) تلفظ می‌شود فعل از نظر امدادی بدو بخش خرقان غربی (واقع در مغرب جاده قزوین - همدان) و خرقان شرقی (واقع در شرق جاده) تقسیم شده است و بنا ناحیه اشاریه ضمیمه بخش آواج (یا - آوا) در منطقه شهرستان قزوین قرار گرفته‌اند در صورتی که خرقان ساوه به شهرستان ساوه تعلق دارد^{۱۱۸}. بنای تاریخی که در هزار غربی این منطقه قرار گرفته است نام آن ناحیه‌ای است که در دوره اسلامی به بعد بوجود آمده است. و از سده نهم هجری (سده سوم هجری) به بعد آگاه می‌شویم که جاده خرقان از بین قزوین و همدان به خرقان منتهی می‌شود^{۱۱۹}. (اکنون هم راه همان است).

از بررسی دوره حکومت عباسی (که بهترین منبع خبری آن زمان در این

۱۱۸- ر.ک به فرهنگ جغرافیائی ایران جلد اول و خلاصه آخر پیش گفتار آن. و به (ساوه) نوشته می‌نویسد چهارم دایرة المعارف اسلامی ۱۹۳۴ که در آن منطقه خرقان به بلوکهای اشاری بکشلو و افساری کوتیلو و قره گوز تقسیم شده است.

۱۱۹- ر.ک به ص ۲۱ - دایرة المعارف جغرافیائی عرب تالیف ابن خردادبه.

زمینه میباشد) ما رادر کشف حقیقت رهنمون میسازد که خرقان با همدان هردو در آن زمان جزویک بخش بوده اند و بعداً از آن ناحیه جدا شده و جزو حکومت- نشین شهر قزوین شده است.^{۱۲۰} در دوره سلجوقی دو حادثه اغتشاشی داخلی در خرقان بوقوع پیوسته است. در سال ۹-۱۰۹۸ میلادی - ۴۹۲ هجری سپاهیان سر کش بر کیارق در خرقان اردو زدند و در آنجا با محمد بن ملکشاه سلجوقی ملاقات نموده و با او پیوستند.^{۱۲۱} در سال ۶۹-۱۱۶۸ میلادی - ۵۶۴ هجری درست زمانیکه اینانچ حکمران یاغی ری مورد حمله اتابیک ایلدوگز قرار گرفت ارسلان بن طغرل سلطان سلجوقی از تهران حرکت کرد و در خرقان اردو زد و در آنجا منتظر ماند تا وی سقوط نمود.^{۱۲۲} در سالهای ۹۵-۹۴ میلادی- ۵۹۱ هجری خرقان جزو مناطقی بود که با گروهی بر علیه الناصر خلیفه عباسی سوریده بودند.^{۱۲۳} در باره جغرافیای تاریخی حوزه خرقان از سده چهاردهم میلادی (سده ۸ هجری) به بعد شرح مبسوطی از حمدالله مستوفی^{۱۲۴} بمارسیده

۱۲۰- رسیک به ص ۲۳۹ و ۲۸۰ جلد ۵ عبید تالیف ابن الفقیه که آن کتاب مأخذی برای یاقوت بوده است.
و به پیروی جلدچهارم وصفحه ۹۸۸ همان کتاب حمد الله هستوفی درباره قزوین نوشته است. تاریخ
گزیده تالیف عبدالحسین نوائی ص ۷۷۷ و از روی این کتاب درسال ۱۸۵۷ دروزنامه آسیائی فرانسه
نام بردۀ شده و همچنین رسیک به صفحات ۶۵-۲۶ به راه گشیده تالیف جیب‌مه موری یا لچاپ انتشارات تراس.
و نیز بین نواحی ملحقة به قزوین و دونایی خرورد پائین و خرقال ذکر شده است (و من از اینکه همه
این اسامی در جزو تالیفات سده نهم میلادی ذکر شده مشکوند هستم) .

۱۲۱- ریک هقص ۱۹۶ آین اثر.

١٢٢ - ریک به صفحات ٢٩٦-٧ راحت الصدور راوندی .

^{۱۲۳}- رک به ص ۷۲ جلد هفتم کتاب این اثر.

- ریک به صفحات ۷۳ و ۲۲۱ نزهه القلوب (همجنین به صفحات ۶۳ ساوه) و ۱۹۵-راماند ساوه) و ۲۲۲-مزد کان ترکان خرقان) و ۲۸۰ (عبدالله آبادی) و صفحات ۷۶ و ۲۱۴ و ۶۸ و ۶۹ و ۱۸۵-۱۵۰ و ۲۱۴ و ۲۷۳ و ۲۷۷ ترجیه انگلیسی نزهه القلوب و بدمقاله مشهور لسترنج و به کتاب سرزمینهای خلافت شرقی صفحات ۱۹۶ و ۲۲۸ و ۲۰۰ و ۲۲۸ و کتاب آلمانی فلات ایران تا چفرافیای عرب تألیف شوارتس صفحات ۵۰۰ و ۹۱۹ مراجعة شود.

است که تعدادی از دهکده‌های آن بخش را معرفی می‌کند که در بین آنها آواهر کر بخش ناحیه خرقان می‌باشد.

از این بررسی چنین برمی‌آید که در این ناحیه شهر مهمی وجود نداشته است تنها محلی که تا اندازه‌ای آبادتر بوده، آوا نام برده‌اند که تقریباً در فاصله ۰.۵ کیلومتری محل آثار تاریخی مورد بحث ما قرار دارد. معلوم نیست که چرا؛ دونفر ترک نژاد در این مدت کوتاه تو انسنه اندر ئیس قبیله یا از بزرگان ارتش یا زدارندگان هردو مقام بشوند که عاقبت در آنجا مدفون گردیده‌اند. احتمالاً امکان دارد از شباهت نواحی مجــاور زنجان - سلطانیه که در دوره ایلخانیان بسبب وجود چراگاه‌های عالی‌عنوان زمینهای اردوگاه مورد توجه حکمرانان مغول گردیده بود کمک بگیریم و پذیریم که خرقان در دوره سلجوقی جزو قلمرو چراگاه‌های قبایل افراد ترک بشمار می‌آمد و رؤسای اینها آنجارا عنوان آرامگاه خود انتخاب کرده بودند و احتمال نمی‌رود که خرقان تصادفاً در دوره سلجوقی عنوان دو مین اردوگاه ارتش بدست سلطانی افتاده باشد. بدیهی است که رؤسای آنها برای اینکه بیشتر مورد توجه مردم متمن و قاطبه ایرانیان قرار بگیرند دین اسلام را می‌پذیرفتند و ممکن است معماری از نزدیکترین شهر برای ساختن این آرامگاه‌های با شکوه استخدام کرده باشند. با اطمینان خاطرمی‌توان گفت که این فرض نمی‌تواند دلیل قاطعی برای عدم وجود عنوانها بشمار آید. به حال این موضوع بصورت مبهمی باقی مانده است و بعلاوه با وجود اینکه این دلایل تقریباً نظری می‌باشند ولی نسبت به خوانده نشدن ذو شته‌ها و فقدان گواه دیگر تئوری بهتری در این زمینه نمی‌توان تهیه نمود. اگر این بناهای تاریخی مورد توجه قرار گیرد آینده نشان

خواهد داد که جستجو و کاوش از این آثار تاریخی باشکوه با گواهان قاطع تری سبب روشن شدن اذهان و پیدا کردن راه حل بهتری برای معماهای ما خواهد بود.^{۱۲۰}

در برج شرقی تابوت چوبی قرارداده شده که در روی آن جملات زیرین بعربی نوشته شده است:

هذه المرة المنشورة المعطرة سيدة صالحة
طاهرة جديدة خاتون بنت امام الہمما (م)، امام
موسى كاظم عليه السلام
تحريراً في شهر صفر، ختم بالخير والظفر،
لسنة اربع وستين و تسعمائة

این آرامگاه نورانی و عطر آگین با نوی پرهیزگار و پاک سر شست «جديدة» خاتون دختر پیشوای عالمیان حضرت امام موسی کاظم عليه السلام است :

نگاشته شده در پایان ماه صفر المظفر

سال ۹۶۴ هجری قمری^{۱۲۱}

۱۲۰- غمکن است این طور تصور شود که در زمان قدیم آرامگاه‌ها مالند محل دفن امام‌ها مورد احترام بودند. برج شرقی دارای تابوت چوبی منبت کاری شده است که جملات عربی فوق الذکر مقاله در روی آن حاک شده است .

۱۲۱- اصل خطوط عربی مذکوره در بالا توسط آقای محمد تقی مصطفوی قرائت شده است .

در روی نقشه های اینچی کاوشی هند ورق ۱-۹۳۰ ب علامتی از یک آثار تاریخی است که باستی به آرامگاه مورد بحث های پیوست داده شود نوشه ها طوری خوانده می شوند که هارا نسبت به نام آن کنجکاو می سازند (قوش امام) این نام تر کی است (قوش یا پرنده) امام . اگر این بنا آن باشد باستی برای یک اماهزاده طرح شده باشد .



تصویر ۱۷ - ب . اضلاع ۶ - ۸ برج دوم